

(پروین)

حمیده وحیدی
روزنامه‌نگار



گمنام خوش‌تریم

خجسته ناطق ۲۱ مرداد در هنگامه جنگ جهانی دوم وقتی هیتلر دستور حمله به لهستان را داد در مشهد متولد شد. آن زمان جمعیت هجده میلیونی ایران شاهد فراز و نشیب‌های زیادی بود و در مرداد همان سال دوازدهمین دوره مجلس شورای ملی در مشهد به کار خود پایان داده بود. فضای شهر دچار بی‌ثباتی شده بود و نابسامانی‌های اقتصادی کوچه‌های فقر را شبانه‌روزی طی می‌کرد اما زندگی در خانواده ادب‌دوست و فرهیخته ناطق باعث شد به تحصیل و سواد روی آورد. پدرش دبیر ریاضی بود اما عاشق ادبیات. آن روزها که کتاب و روزنامه و مجله در زندگی آدم‌ها جایی نداشت و کمتر خانه‌ای بود که در آن روزنامه پیدا می‌شد او خبرهای روز را می‌شنید. حتی در بین اسباب بازی‌ها که بزرگ‌ترین سرگرمی دوران کودکی‌اش بود هم کتاب مهم‌ترین عنصر زندگی‌اش قلمداد می‌شد. از طرفی، حشر و نشر با بزرگان ادبیات مشهد تأثیر مستقیمی بر نگاهش به دنیا داشت. احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث و خیلی‌های دیگر به خانه‌شان رفت‌وآمد داشتند. همین‌طور خانه پدر بزرگش معروف به حسام واعظی که از وعاظ مشهور در سرشور بود، عرفا و ادبای زیادی را به خود دیده بود. او از ۹ سالگی به تشویق پدر، حافظ را حفظ کرد و شاهنامه‌خوانی را ادامه داد. بعدها در دبستان گوهرشاد محله بازار سرشور و دبستان کویکبه خیابان تهران و دبیرستان فروغ درس خواند.

از طرفی کارش را با روزنامه خراسان خیلی اتفاقی شروع کرد. آن سال‌ها چند دفتر شعر و نثر داشت و دنبال جایی برای انتشار می‌گشت. اشعارش مورد استقبال سید رحمت‌ا... و وظیفه‌دان که آن زمان سردبیر بود قرار گرفت و این شد که جلیل‌تهرانیان، مدیرمسئول وقت، پیشنهاد مسئولیت هفته‌نامه بانوان خراسان را داد. بانو خجسته ناطق، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار پیش‌کسوت مشهدی که از برجسته‌ترین بانوان سرشناس اهل قلم در شهر مشهد و هم‌چنین یکی از اولین فعالان حیطه مطبوعات است، از خود تألیفاتی در عرصه شعر و ادب فارسی به جا گذاشته است. از آن میان، می‌توان به مجموعه شعر «همیشه سبز» و «سخن آشنا» اشاره کرد.

ما دل به رنگ و جلوه دنیا نمی‌دهیم
از کف عنان این دل شیدا نمی‌دهیم

قامت به غیر درگه حق خم نمی‌کنیم
دل جز به مهر ایزد یکتا نمی‌دهیم

آب بقا به قیمت ذلت نمی‌خریم
ما آبرو به وسوسه حاشا نمی‌دهیم

هستیم فکر توشه راه و چو غافلان
امروز را حواله به فردا نمی‌دهیم

گمنام خوش‌تریم و به امید کسب نام
دار و ندار خویش به یغما نمی‌دهیم

ماییم و کنج عزلت و گنج قناعتی
سرمایه حیات به سودا نمی‌دهیم

تا چشم دل به روی حقایق گشوده‌ایم
در سر خیال خام و عبث جا نمی‌دهیم

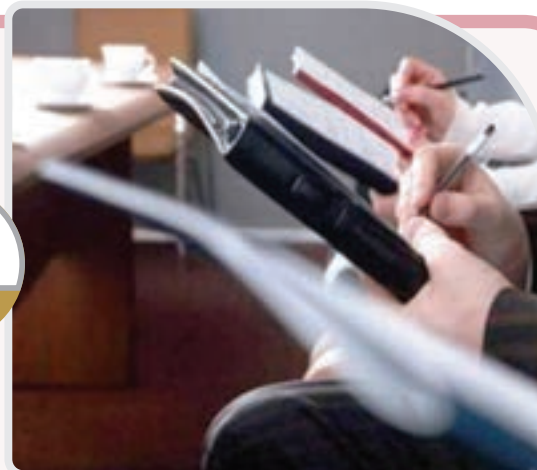
ما ناطقیم و دفتر خود را چو می‌کشان
هرگز به رهن ساغر و صهبان نمی‌دهیم



نسیم



ریحانه صادقی
منجم



زنانی که روایتگر حقیقت هستند

اینکه یک زن خبرنگار باشید کار چندان آسانی نیست. نزدیک به یک‌سوم زنانی که وارد این حرفه می‌شوند در همان مراحل اولیه دست‌کم یک‌بار به کنار گذاشتن آن خیلی جدی فکر می‌کنند. اما کم‌کم هم نیستند زنانی که می‌مانند و با تلاش و جدیت سعی می‌کنند روایت‌های کهنه و روایتگری‌های غلط را به چالش بکشند و آنچه را به فراموشی سپرده شده یا نادیده گرفته شده است برجسته سازند. امروز می‌خواهیم ۲ تن از زنان خبرنگاری را معرفی کنیم که سعی کرده‌اند روایتگر حال بد زمینی باشند که روی آن زندگی می‌کنیم.

آیلین گوو (Eileen Guo)

آیلین گوو خبرنگار مستقلی است که در رسانه‌های چاپی، برخط و شنیداری فعالیت می‌کند. او هیچ وقت در یک اتاق خبر سنتی کار نکرده و هرگز به مدرسه روزنامه‌نگاری نرفته است، اما در زندگی حرفه‌ای خود همواره توجهش را معطوف به جوامع و موضوعاتی کرده است که در حاشیه جریان‌های اصلی قرار داشته‌اند. آیلین که به هیچ عنوان با متزلزل ساختن رویه‌های معمول و ایجاد تحول غریبه نیست، وقتی تصمیم گرفت به موضوع قاچاق در حوزه محیط زیست بپردازد، توانست تحولی در چهارچوب‌های گفت‌وگو درباره این موضوع، و به طور کلی، تجارت بازار سیاه ایجاد کند. وقتی به تجارت بازار سیاه فکر می‌کنید، احتمالاً موضوعاتی مانند مواد مخدر، قاچاق انسان و اسلحه چیزهایی هستند که به ذهنتان می‌آیند، اما آیلین تمرکزش را روی چهارمین کالای سودآور بازار سیاه قرار داد: چوب بلسان بنفش، نوعی چوب جنگلی استوایی که بیشتر برای ساخت آلات موسیقی و مبلمان استفاده می‌شود. آیلین در گزارشی که برای نشنال جیوگرافیک تهیه کرد، تأثیر مخرب قاچاق چوب در گواتمالا را به خوبی به تصویر می‌کشد. با بیش از ۱/۵ میلیون مخاطب علاقه‌مند (بله، درست خواندید!) فقط در پلتفرم Apple News، این گزارش نه تنها از یک بحران زیست‌محیطی پرده برداشت، بلکه زمینه‌ساز تغییر نحوه روایتگری در کشوری شد که چنین گزارش‌هایی به ندرت در آن انجام و دیده می‌شوند.

نادیا شیرا کوئن (Nadia Shira Cohen)

عکاس خبری مستقل، نادیا شیرا کوئن، همیشه می‌دانست دلش می‌خواهد یک عکاس شود. نادیا در پانزده سالگی اولین دوربینش را هدیه گرفت و درست در همان زمان بود که متوجه شد به سرطان مبتلاست. نادیا شروع کرد به ثبت پرتره‌هایی از خودش برای به تصویر کشیدن سیر تحولات جسمانی و احساسی ایجادشده در خود در دوره بیماری. او هم‌چنین از بیماران بخش تومورشناسی که همراه او در بیمارستان مس جنرال در شهر بوستون بستری بودند عکاسی می‌کرد. سال‌ها گذشت و اکنون کارهای او در سطح بین‌المللی شناخته‌شده و مطرح‌اند.

در آوریل سال ۲۰۱۹ نادیا به همراه همکارش در IWMF (بنیاد بین‌المللی رسانه زنان)، نینا استروکلچ، گزارشی زیست‌محیطی درباره شبه‌جزیره یوکاتان با عنوان «عداوت باورنکردنی بین زنبورداران و منونایت‌ها (فرقه‌ای از مسیحیان) در مکزیک» تهیه کرد که در نشنال جیوگرافیک منتشر شد. این گزارش آن قدر اثرگذار بود که رئیس‌جمهور مکزیک، آندرس مانوئل لویز اوبرادور، روز پس از انتشار آن به کامپچه (یکی از ایالت‌های مکزیک) رفت و بیانیه‌ای رسمی و عمومی در پاسخ به آن منتشر کرد.

نادیا برای این گزارش، جایزه نفر دوم را در بخش محیط زیست مسابقه عکاسی ورلد پرس فوتو (World Press Photo) بنیاد مستقل و غیرانتفاعی برگزارکننده معتبرترین و بزرگ‌ترین مسابقه سالانه عکس خبری) دریافت کرد. موفقیت‌های او به همین جا ختم نشد: این گزارش جایزه بنیاد ایورو (جایزه‌ای که این شرکت آرایشی بهداشتی از سال ۲۰۱۶ با هدف جلب توجه به کره زمین و تنوع زیستی آن به عکاسان اهدا می‌کند) را نیز برای نادیا به ارمغان آورد. نادیا یکی از فینالیست‌های صندوق یادمان بوجین اسمیت (عکاس و خبرنگار مشهور آمریکایی) شد و جایزه لیونین را نیز برای فعالیت مداوم روی همین پروژه دریافت کرد.

منبع:

بنیاد بین‌المللی رسانه زنان (IWMF)

<https://www.iwmf.org/19-women-who-shaped-the-future-of-journalism-in-2019/>